

بیت سکن

سکوت سرد تر، در دلویت و دستناک
 سکوت تلخ و ویران
 سکوت قبرستان.

مرا بنیسی بنگه کن به خود در آینه اما
 بین تو هستی همان مرد عاصی بی باک
 یا تو نه ای؟

سیده گاه بواران بیت سکن رفتند
 که بکنند بی راکه خضم انانی

~~بیت سکن~~
 و گنگه کنش به تون هم بیت رسال

در آن نبرد
 به خاک زخمت جو برگ قران فرزان مرد
 تصادفی شد دنیا پر از تصادفات
 تو رنده ماندی و هم سنگر دلی تو مرد
 ز برگ بزم نبودت

ولی از آن رستی
 تو بیت برت نبود
 تو بیت سکن هستی
 زمانه بیت سکن هست
 نسیم های فدایان سفینه آبی فضایی
 که بی بیت سکن دیگر ادعای خداست